

مدیریت توسعه منطقه‌ای با تحلیل نقش فاصله در میزان توسعه دواير متحدالمركز در استان‌ها (نمونه موردی استان آذربایجان شرقی)

نادر زالی*

استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

دریافت: 90/3/21 پذیرش: 90/8/4

چکیده

امروزه، یکی از مسائلی که سکونتگاه‌های شهری و روستایی با آن روبه‌رویند، توزیع نامناسب امکانات و خدمات اجتماعی است. این توزیع نامناسب باعث ایجاد نابرابری در میزان دسترسی گروه‌های مختلف به امکانات و خدمات اجتماعی شده است. این مقاله ضمن توجه به این چالش اجتماعی - که متأثر از ضعف مدیریت توسعه است - تلاش دارد وضعیت برخورداری از امکانات و خدمات اجتماعی را در هر سه سطح تقسیمات سیاسی استان آذربایجان شرقی (شامل شهرستان، بخش و دهستان) بررسی کند؛ همچنین با شناسایی شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های محروم، اولویت‌های سرمایه‌گذاری را تعیین کند و سیاست‌ها و راهبردهای کلان برای ایجاد دسترسی متناسب را ارائه دهد. روش تحقیق، اسنادی است و روش تجزیه و تحلیل هم تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی. تعداد 28 شاخص در ابعاد مختلف تعریف و برای طبقه‌بندی سطوح مختلف به کار برده شده است. نتایج نشان می‌دهد دهستان‌های منطقه شمال شرق و جنوب شرق استان محرومیت بسیاری دارند و دهستان‌های بهره‌مند از امکانات و خدمات اغلب در اطراف مرکز استان و یا جنوب غرب و منطقه میانی مستقر هستند. تحلیل‌ها گویای این است که نیمه شرقی استان محرومیت بیشتری نسبت به نیمه غربی آن دارد و ضروری است مدیریت توسعه استان اولویت سرمایه‌گذاری را در شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های نیمه شرقی استان افزایش دهد. همچنین، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین میزان فاصله مرکز هر کدام از تقسیمات سیاسی به مرکز استان و شهرستان و میزان محرومیت، رابطه مستقیم معنادار در سطح 99 درصد وجود دارد و با افزایش فاصله از مرکز، بر سطح محرومیت افزوده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت توسعه، محرومیت، آذربایجان شرقی، تحلیل عاملی، تاکسونومی.

1- مقدمه

پس از انقلاب صنعتی و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم و ویرانی‌های ناشی از آن، مفاهیم نظری توسعه با نگاه‌های متفاوت اندیشمندان توسعه و برنامه‌ریزی، فراز و نشیب‌های متعددی را گذرانده و تغییرات مفهومی وسیعی پیدا کرده است (گل‌محمدزاده و زالی، 1384: 31). برداشت‌هایی مانند رشد اقتصادی و افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی از توسعه، توسعه اقتصادی صرف، توجه به قطب‌های رشد و مراکز پیشناز، توسعه پایدار و توسعه انسانی، همه مفاهیمی هستند که انسان معاصر واژه توسعه را به مرور زمان و درک صحیح از آن صیقل داده است. هم‌اکنون، این واژه با مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی، تعادل فضایی، توزیع متناسب خدمات و توسعه انسانی درآمیخته و رنگ و بوی صرف اقتصادی را از دست داده است.

یکی از ابعاد مهم توسعه انسانی و توسعه پایدار به مفهوم امروزی توسعه، توسعه پایدار فضایی است که به معنای امکان دسترسی متناسب مردم جامعه به امکانات و خدمات اجتماعی است. این مفهوم به‌طور جدی مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران مسئول توسعه قرار گرفته است (پردازی‌مقدم، 1386: 42). به همین دلیل، به‌نظر می‌رسد تقاضا برای استقرار توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی بشر در قرن بیستم باشد (مثنوی، 1382: 89).

تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها و عدم تعادل فضایی در بهره‌مندی از امکانات اجتماعی یکی از ویژگی‌های بارز کشورهای جهان سوم است. این ویژگی را در ایران قبل از انقلاب و آثار و بقایای آن را در ایران بعد از انقلاب می‌توان یافت. بر اساس این ویژگی، بخش زیادی از امکانات و جمعیت در یک یا چند نقطه تمرکز می‌یابد و سایر مناطق به‌صورت حاشیه‌ای عمل می‌کند (پورمحمدی و زالی، 1389: 30).

در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگی‌های نواحی مختلف و نابرابری آن‌ها در هر برنامه‌ریزی اساس کار به‌شمار می‌آید؛ زیرا در این کشورها هدف از تحلیل وضعیت مناطق، توزیع مطلوب جمعیت و امکانات در سطح ناحیه‌ای است. به‌عبارت دیگر، تحلیل سیستم‌های ناحیه‌ای باید کارایی و بازده فعالیت‌های اقتصادی را در همه زوایا به‌همراه عدالت اجتماعی در توزیع امکانات

افزایش دهد و به صورت محرک فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی عمل کند. پس اگر هدف برنامه‌ریزان مطلوبیت بخشیدن به شرایط اجتماعی و اقتصادی اعم از مناطق توسعه‌یافته و نیافته باشد، لازم است دربارهٔ ویژگی نواحی و نابرابری‌های آن‌ها مطالعات بیشتری صورت گیرد (بیات، 1388: 155).

2- طرح مسئله

با اینکه پس از انقلاب اسلامی در جهت رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه‌یافته تلاش‌هایی انجام شده، بخش‌های گسترده‌ای از کشور - که شامل حوزه‌های مهمی مانند مناطق و نواحی مرزی است - به دلایلی از قبیل انزوای جغرافیایی، ناهماهنگی‌ها، ناامنی‌های ناشی از جنگ تحمیلی و عوامل محدودکننده امنیت سرمایه‌گذاری از چرخه توسعه بازمانده‌اند. در واقع، با اینکه این مناطق قابلیت‌های فراوانی دارند، شاخص‌های توسعه در آن‌ها در سطح مطلوبی نیست (میرمحمدی، 1386: 1). برخی مطالعات عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را حتی بیشتر از ده‌برابر دانسته و اعلام کرده‌اند که در توسعه کشور، الگوی مرکز-پیرامون حاکمیت زیادی دارد؛ به گونه‌ای که بیشتر شهرستان‌های عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور و در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند (کلانتری، 1377: 193).

عدم تعادل منطقه‌ای آثار و پیامدهای زیانباری برای کشور دارد؛ از جمله افزایش تمرکزگرایی، نارضایتی عمومی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، واگرایی، احساس تبعیض، رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخش‌های کشور (احمدی‌پور و همکاران، 1386: 26).

نابرابری‌های منطقه‌ای¹ از دو زمینه اصلی مایه می‌گیرد: نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیم‌های مدیران و برنامه‌ریزان (یاسوری، 1388: 204). با پیشرفت فناوری، از اهمیت عامل تأثیرگذار طبیعت بر شکل‌گیری نابرابری‌های منطقه‌ای کاسته شده و به

1. regional disparities



اهمیت عامل مدیریت افزوده شده است. بنابراین در حال حاضر، در ایجاد نابرابری منطقه‌ای، تصمیم‌های مدیران ارشد بیشترین نقش را ایفا می‌کند.

از دیدگاه مدیریت توسعه، به دلیل تأمین عدالت اجتماعی و برخی ملاحظات سیاسی و اقتصادی، تعادل در برخورداری و بهره‌مندی ضروری است. از سوی دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را به پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برای تنظیم برنامه‌های اقتصادی عدالت‌محور جهت ایجاد رفاه و رفع فقر، برطرف کردن محرومیت و تأمین عدالت اجتماعی مکلف کرده است (پورمحمدی و زالی، 1389: 30). در این میان، دانش برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند به تحقق عدالت منطقه‌ای و عدالت فضایی کمک کند؛ همچنین می‌تواند در شناسایی مناطق محروم در سلسله‌مراتب تقسیمات سیاسی مختلف و به تبع آن، سرمایه‌گذاری برای بهبود وضعیت بهره‌مندی مناطق محروم مؤثر واقع شود.

متأسفانه، در برنامه‌های توسعه، برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم کار ملی بین مناطق یا تقسیم کار منطقه‌ای بین نواحی هرگز مورد توجه قرار نگرفته است. این بی‌توجهی موجب غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناها و نیازهای منطقه‌ای - محلی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. پیامد مشخص و روشن این وضعیت، توزیع تصادفی فرصت‌ها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید بی‌عدالتی و بی‌توانی توسعه در سطح منطقه‌ای و در مرحله بعد بازتولید آن با علیت‌های انباشتی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده قبلی است. همچنین، محرومیت‌های این عملکرد و توزیع پرهزینه و پراتلاف منابع در مناطق، برخی مطالبات و فشارهای منطقه‌ای را برای برخورداری در پی داشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، 1387: 25).

شناخت محرومیت و برخورداری در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است. این محدوده‌های جغرافیایی شامل سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی است و لازمه گام برداشتن در آن، شناخت وضعیت موجود هریک از اجزای مجموعه‌های برنامه‌ریزی اعم از کشور، استان، شهرستان و بخش، و در نتیجه پی بردن به اختلاف‌ها و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها در هریک از اجزای این مجموعه است. این مقاله سعی دارد با گردآوری شاخص‌ها و سنجه‌های مختلف در زمینه‌های اجتماعی،

اقتصادی و زیربنایی، میزان بهره‌مندی شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های استان آذربایجان شرقی را از نظر امکانات و خدمات اجتماعی مشخص کند و ضمن بررسی نحوه توزیع امکانات، برنامه‌ها و اهداف کلان را به منظور تحقق عدالت اجتماعی و مدیریت توسعه ارائه دهد.

3- مبانی نظری

مفهوم توسعه در هزاره سوم، توسعه‌ای است که به حقوق و منزلت انسان و مکان زندگی او توجه می‌کند. تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای رسانیدن انسان به مرحله‌ای است که وی از زندگی خود اظهار رضایت کند (مسعود و همکاران، 1390: 44). دسترسی به توسعه ملی و منطقه‌ای آرمان بزرگ هر ملتی است و تحقق این مهم مستلزم آن است که برنامه‌ریزان با شناخت دقیقی از وضعیت کشور و منطقه، بهترین الگوها را برای تعیین مسیر توسعه انتخاب کنند (پورمحمدی و زالی، 1389: 33).

موضوع توسعه با پیشتازی نظریه‌پردازان اقتصادی شروع شد. آن‌ها نظریه‌های مختلفی را برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطرح کرده‌اند. کسانی مانند روزن‌اشتاین - رودن¹ و نرکس رشد هم‌زمان بخش‌های مختلف اقتصادی را راه مناسبی برای دستیابی به توسعه اقتصادی می‌دانند و معتقدند برای شکستن دور باطل فقر در کشورهای در حال توسعه، باید در بخش‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری همه‌جانبه و هم‌زمانی انجام گیرد. عقاید آن‌ها به نام «نظریه رشد متوازن» شناخته شده است. در مقابل، هیرشمن معتقد است کشورهای در حال توسعه چنان سرمایه‌ای در اختیار ندارند تا بتوانند سرمایه‌گذاری همه‌جانبه‌ای انجام دهند؛ بنابراین این کشورها باید بخشی را به‌عنوان پیشتاز انتخاب کنند و در این بخش پیشتاز یا قطب رشد، سرمایه‌گذاری کنند تا رشد این بخش با ارتباط‌های پیشین و پسین، باعث رشد سایر بخش‌ها شود (بهشتی، 1387: 72).

در زمینه توسعه مناطق نیز الگوهای تقریباً مشابهی وجود دارد. مفهوم قطب رشد را فرانسوا پروفانسوی در دهه 1960م مطرح کرد. به اعتقاد پرو، قطب‌های رشد دارای صنایع یا

1. Rosenstein-Rodan



کارخانه‌هایی با عملکرد بالا و دارای امکان رشد بسیار قوی هستند. او رشد صنایع اساسی و پیشرفته را موتور حرکت رشد اقتصاد ملی می‌داند که در مکان‌های معینی بروز می‌کند؛ در نتیجه رشد نامتوازن پدید می‌آید و صنایع جدید در نزدیکی زیرساخت‌ها و زیربنای مورد نیاز آن مستقر می‌شوند و نقاط رشد معینی را ایجاد می‌کنند. این تمرکز مکانی با عقب‌ماندگی نواحی دیگر همراه خواهد بود و نتیجه آن، قطب‌بندی منطقه‌ای و گسترش ناهمگون توسعه از نظر جغرافیایی است. در پی آن، آثار نفوذکننده متعددی تصحیح این عدم توازن را تضمین خواهد کرد (هاروی، 1376: 99).

تعدادی از نظریه‌های توسعه منطقه‌ای با دیدگاه فضایی با اصالت دادن به نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فرایند توسعه، میانه‌ای از دو حد تمرکزگرایی (مانند قطب رشد) و تمرکززدایی (مانند منظومه کشت شهری) را برگزیده و تجمع غیرمتمرکز یا تمرکززدایی با تجمع را پیشنهاد کرده‌اند. در واقع، این نظریه‌ها برای کاستی‌ها و نارسایی‌های توسعه فضایی متداول - که قطبی‌شدن و اختلاف‌های منطقه‌ای را ایجاد کرده بود - راه‌حل اصلاح‌طلبانه‌ای مطرح کرده‌اند (صرافی، 1377: 128).

تفاوت‌های منطقه‌ای ممکن است به دو گونه: تنوع طبیعی¹ (نابرابری طبیعی) و نابرابری² (ساخته دست بشر) باشد. از نظر معنای لغوی، هر دوی این موضوعات باهم متفاوت‌اند. نویسنده این مقاله به دنبال تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای حاصل از عمل بشر در منطقه و شناسایی مناطق محروم برای اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری است (یاسوری، 1388: 208).

تاکنون، درباره تعادل فضایی و آمایش نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که هر کدام به ابعاد خاصی از توسعه پایدار اشاره کرده‌اند. بعضی از نظریات به مراحل از توسعه، از رشد ناموزون تا تبدیل به رشد موزون در جریان زمان اعتقاد داشتند؛ برخی دیگر ایجاد قطب‌های توسعه برای تراوش آثار توسعه در مراحل بعدی را پیشنهاد دادند؛ برخی دیگر نیز به مراحل متعددی از فرایند توسعه اشاره کردند که لزوماً مراحل اولیه آن، تشدید ناپایداری و مراحل پایانی آن، تثبیت شرایط و تعادل فضایی در گستره محیط جغرافیایی است.

1. diversity
2. disparity

به دلیل گستره وسیع و گاه متضاد نظریات توسعه منطقه‌ای، باید اذعان کرد اتکا به مبانی نظری مدل‌های غربی - که بیشتر متناسب با کشورهای خود نظریه‌پردازی کرده‌اند - کار علمی و مناسبی در کشور ما نیست. ما می‌توانیم با ایدئولوژی و فکر ایرانی مبتنی بر آموزه‌های دینی و قانون اساسی - که عدالت اجتماعی در بهره‌مندی از امکانات اجتماعی را حق طبیعی مردم دانسته است - به سامان‌دهی و برنامه‌ریزی برای برخورداری عادلانه مردم اقدام کنیم.

4- روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل، مدل‌های تاکسونومی عددی و فاکتور آنالیز است. مقطع آماری سال 1385 است و گاه نیز از اطلاعات به‌روزتر استفاده شده است؛ به‌ویژه آماری که هر سال در زمینه برخی اطلاعات شهرستان‌ها منتشر می‌شود، از آمار سال 1388 استفاده شده است. برخی از این اطلاعات را معاونت نظارت و راهبردی رئیس جمهوری به تفکیک تمام شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌ها تهیه کرده و در اختیار استانداری‌های کشور قرار داده بود. در تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS برای تحلیل عاملی و نرم‌افزار Excel برای برنامه‌نویسی و محاسبات تاکسونومی عددی به کار رفته است.

تحلیل عاملی روشی برای تقلیل داده‌های گسترده به تعداد محدودی متغیر است که بخش عمده‌ای از مفهوم داده‌های گسترده را می‌تواند پوشش دهد (پردازش مقدم، 1386: 88). تاکسونومی عددی هم یک روش آماری برای تعیین واحدها یا انواع چیزهای همگن در یک فضای برداری n بعدی بدون استفاده از رگرسیون واریانس یا آنالیز هم‌بستگی است (Mozaffar et al., 2011: 16).

شاخص‌های مورد استفاده برای تعیین میزان محرومیت در سطوح مختلف تقسیمات سیاسی استان عبارت‌اند از: میزان باسواد، نسبت تعداد واحد مسکونی به تعداد خانوار، میزان اشتغال، نسبت تعداد مراکز بهداشتی و درمانی به تعداد روستاها، نسبت تعداد پزشک به تعداد روستا، نسبت تعداد آموزشگاه راهنمایی تحصیلی به تعداد روستا، نسبت



تعداد آموزشگاه متوسطه تحصیلی به تعداد روستا، نسبت تعداد کتابخانه عمومی یا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تعداد روستاها، نسبت تعداد تأسیسات ورزشی به تعداد روستا، نسبت تعداد روستاهای بهره‌مند از گاز، نسبت تعداد روستاهای بهره‌مند از دفترهای پستی به تعداد روستا، نسبت شرکت‌های تعاونی روستایی به تعداد روستاها، نسبت شعب بانک به تعداد روستاها، نسبت روستاهای دارای آب آشامیدنی سالم، نسبت جمعیت خارج از پوشش کمیته امداد و بهزیستی به کل جمعیت، تعداد شهرهای بالای 100 هزار نفر به کل شهرها، چگالی جمعیت، عکس فاصله مرکز شهرستان از مرکز استان، عکس فاصله مرکز شهرستان از نزدیک‌ترین فرودگاه، عکس فاصله مرکز شهرستان به اولین ایستگاه راه آهن، سرانه درآمد شهرداری‌ها، سرانه مالیات دریافتی، عکس فاصله مرکز دهستان از مرکز شهرستان، عکس فاصله مرکز دهستان از مرکز بخش، عکس فاصله مرکز بخش از مرکز شهرستان، عکس فاصله مرکز بخش از مرکز استان و عکس فاصله از اولین ایستگاه راه آهن.

در این تحقیق، برای اولویت‌بندی فعالیت‌ها از روش ترکیبی تحلیل عاملی و تاکسونومی استفاده شده است. در این روش از نتایج روش تحلیل عاملی به‌عنوان داده‌های ورودی روش تاکسونومی استفاده می‌شود و در نتیجه، بسیاری از اشکالات و معایب روش تاکسونومی از جمله هم‌بستگی بین شاخص‌ها و متغیرها برطرف می‌شود.

5- تجزیه و تحلیل داده‌ها

استان آذربایجان شرقی از 19 شهرستان، 42 بخش و 141 دهستان تشکیل شده و در شمال غرب کشور قرار دارد (آمارنامه استان آذربایجان شرقی، 1388). برای شناسایی مناطق محروم و بهره‌مند، از ترکیب 28 شاخص در سه سطح شهرستان، بخش و دهستان به تناسب استفاده شد که نتایج آن به این شرح است:

5-1- شناسایی شهرستان‌های محروم و بهره‌مند استان آذربایجان شرقی

تحلیل نابرابری‌ها با استفاده از 28 شاخص در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی در سطح شهرستان‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی صورت گرفت. این عوامل بعد از مراحل پردازش به روش principle method و چرخش 90 درجه واریامکس، به استخراج پنج عامل منجر شد (جدول 1). عوامل یادشده برای ایجاد رتبه هر شهرستان در درجه محرومیت با مدل تاکسونومی عددی تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد شهرستان‌های چالدران، ورزقان، اهر، کلیبر، هشترود، هریس و میانه با درجه بالایی از محرومیت، محروم‌ترین شهرستان‌های استان هستند. در مقابل، شهرستان‌های تبریز، شبستر، عجبشیر، اسکو، بناب، مراغه و مرند به ترتیب شهرستان‌های بهره‌مند و برخوردار استان به شمار می‌آیند. شهرستان‌های جلفا، آذرشهر، سراب، بستان‌آباد و ملکان نیز شهرستان‌های با درجه بهره‌مندی متوسط در سطح استان هستند. درباب توزیع فضایی شهرستان‌ها از نظر محرومیت، چند نکته درخور توجه است:

1- بیشتر شهرستان‌های محروم استان در نیمه شرقی و تمام شهرستان‌های بهره‌مند در نیمه غربی استان استقرار یافته‌اند (شکل 1).

2- بررسی مطالعات تفصیلی آمایش استان در زمینه پهنه استان نشان می‌دهد شهرستان‌های نیمه شرقی استان اغلب دارای فعالیت کشاورزی و دامداری و شهرستان‌های بهره‌مند و شهرستان‌های نیمه غربی استان بیشتر دارای فعالیت تولیدی و صنعتی هستند.

3- بیشتر شهرستان‌های بهره‌مند استان در مسیر آزادراه‌ها، شبکه‌های ریلی و زیربنایی استان قرار گرفته‌اند؛ ولی اکثر شهرستان‌های محروم به شبکه آزادراه‌ها و سایر زیربناها دسترسی محدودتری دارند (شکل 4).

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد گسیختگی فضایی ویژه‌ای در فضای استان حاکم است و مدیریت استان به شهرستان‌های نیمه شرقی کمتر توجه داشته‌اند و فاصله محرومیت شهرستان‌های استان با یکدیگر زیاد است و اغلب غیر از چند شهرستان اول، بقیه درجه محرومیت بالایی دارند.

جدول 1 رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس امتیازات عاملی و تاکسونومی

رتبه محرومیت	شاخص تاکسونومی	عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	نام شهرستان
1	0.959	0.54	-1.51	-1.51	-1.05	-0.03	چاراویماق
2	0.953	-0.52	-1.62	-1.39	0.46	-0.15	ورزقان
3	0.948	-2.10	0.70	0.53	-1.39	-0.42	اهر
4	0.925	-0.13	-0.86	-1.01	-0.95	-0.22	کلپیر
5	0.862	-0.21	-0.36	-0.34	-0.79	-0.23	هشترود
6	0.851	-0.33	-0.39	-0.80	0.43	-0.29	هریس
7	0.843	-0.68	-0.21	0.22	-0.52	-0.23	میانه
8	0.821	-1.10	0.05	0.27	1.50	-0.53	ملکان
9	0.811	-0.55	0.67	-0.05	0.17	-0.57	بستان آباد
10	0.797	-0.52	1.32	-0.46	0.79	-0.58	سراب
11	0.786	0.13	-0.49	2.62	-1.30	0.03	آذرشهر
12	0.773	0.29	-0.23	1.19	-0.96	-0.10	جلفا
13	0.762	1.05	1.53	-0.88	-0.69	-0.05	مراغه
14	0.737	0.74	2.45	-0.77	-0.11	-0.15	مرند
15	0.735	-0.41	-0.51	0.52	2.12	0.19	بناب
16	0.717	0.34	-0.41	0.88	1.36	-0.26	اسکو
17	0.714	2.70	-0.45	0.29	0.20	-0.20	عجبشیر
18	0.681	1.09	0.03	0.79	0.62	-0.24	شبه‌بستر
19	0.603	-0.33	0.27	-0.10	0.11	4.05	تبریز

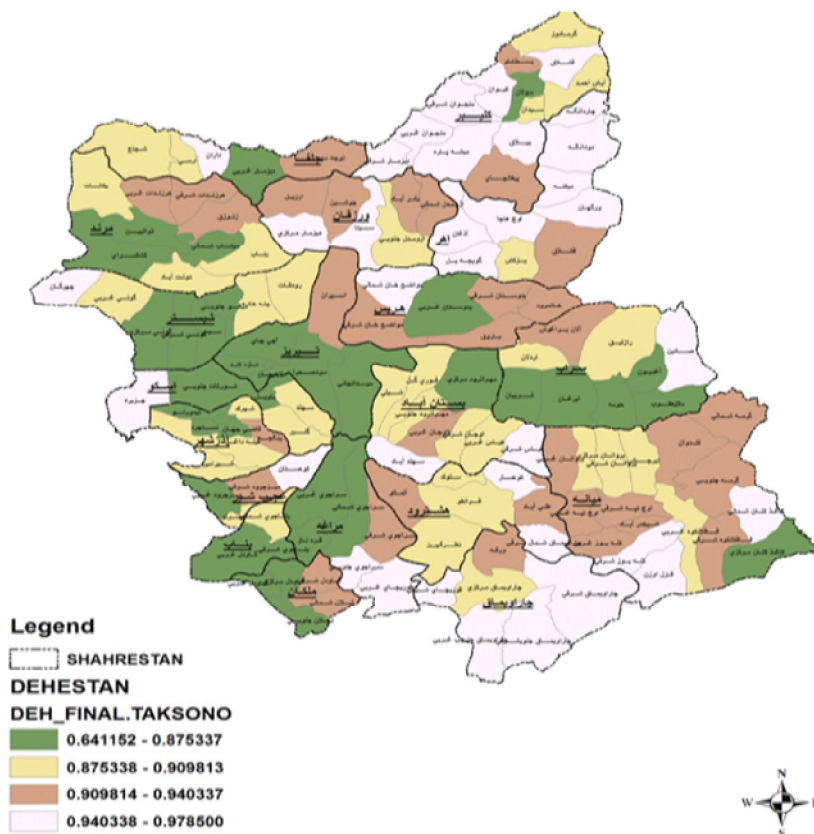
جدول 2 رتبه‌بندی بخش‌های استان بر اساس امتیازات عاملی و تاکسونومی

رتبه محرومیت	رتبه تاکسونومی	نام بخش	نام شهرستان	رتبه محرومیت	رتبه تاکسونومی	نام بخش	نام شهرستان
22	0.773	مرکزی	اهر	1	1.113	ترکمانچای	میانه
23	0.772	صوفیان	شبستر	2	0.943	شادیان	چاراویماق
24	0.772	مرکزی	میانه	3	0.895	خداآفرین	کلیبر
25	0.769	گوگان	آذرشهر	4	0.886	خاروانا	ورزقان
26	0.767	لیلان	ملکان	5	0.885	کاغذکنان	میانه
27	0.756	ایلخچی	اسکو	6	0.864	مرکزی	کلیبر
28	0.752	تیکمه داش	بستان آباد	7	0.858	کندوان	میانه
29	0.727	ممقان	آذرشهر	8	0.853	هوراند	اهر
30	0.723	مرکزی	ملکان	9	0.851	آبش احمد	کلیبر
31	0.715	حومه	آذرشهر	10	0.849	سیه رود	جلفا
32	0.714	مرکزی	اسکو	11	0.847	مرکزی	چاراویماق
33	0.710	مرکزی	بستان آباد	12	0.845	خواجه	هریس
34	0.697	مرکزی	مراغه	13	0.833	مرکزی	ورزقان
35	0.691	مرکزی	عجب شیر	14	0.824	خراجو	مراغه
36	0.678	مرکزی	سراب	15	0.821	نظرکهریزی	هشترود
37	0.676	مرکزی	شبستر	16	0.803	مرکزی	هریس
38	0.668	مرکزی	جلفا	17	0.788	انزاب	شبستر
39	0.659	مرکزی	بناب	18	0.786	قلعه چائی	عجب شیر
40	0.654	خسروشهر	تبریز	19	0.782	مرکزی	هشترود
41	0.633	مرکزی	مرند	20	0.781	مهربان	سراب
42	0.353	مرکزی	تبریز	21	0.775	یامچی	مرند

5-3- شناسایی دهستان‌های محروم و بهره‌مند استان آذربایجان شرقی

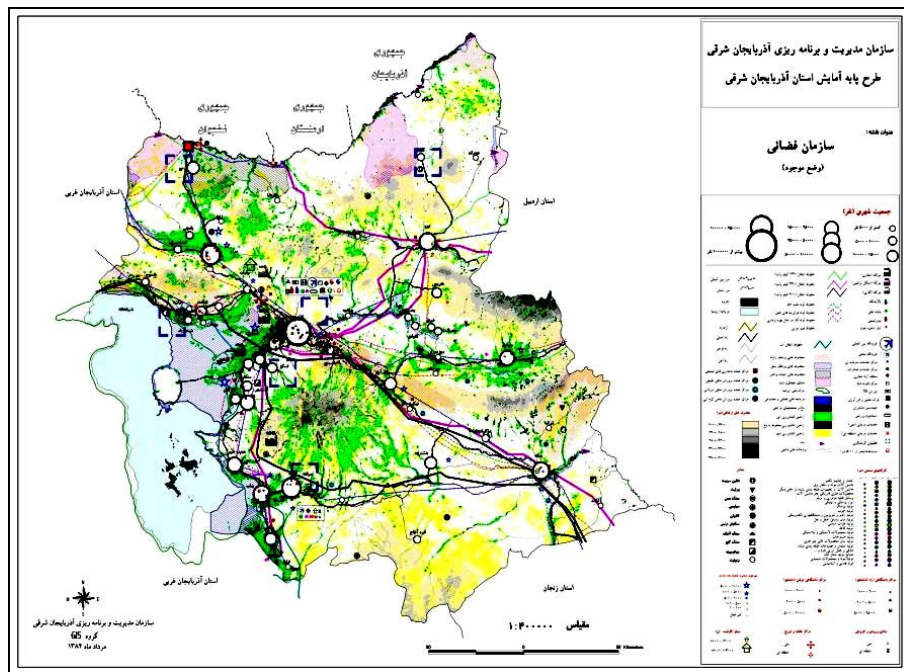
بررسی‌های مربوط به سطح بهره‌مندی دهستان‌های 141 گانه استان نشان می‌دهد تعداد 20 دهستان با شاخص محرومیت بالاتر از 0/95 در سطح محرومیت بسیار بالایی قرار دارند و دارای کمترین امکانات و خدمات اجتماعی هستند. همچنین، تعداد 64 دهستان با شاخص محرومیت 0/90 تا 0/95 نیز محرومیت نسبی دارند که البته با دهستان‌های بسیار محروم تفاوت

زیادی ندارند و فاصله محرومیت دو گروه به هم نزدیک است. از میان 141 دهستان استان فقط 41 دهستان با شاخص محرومیت 0/90 تا 0/85 در وضعیت به نسبت مناسبی قرار دارند و 16 دهستان با شاخص محرومیت کمتر از 0/85، نسبت به سایر دهستان‌ها، از وضعیت مطلوبی برخوردارند. نمی‌توان به دهستان‌های اخیر عنوان بهره‌مند یا توسعه‌یافته اطلاق کرد. چون موضوع مقایسه است، در رده‌بندی، از نظر برخورداری، برخی دهستان‌ها در رده‌های بالا قرار خواهند گرفت و این موضوع نشان‌دهنده مطلوب بودن وضعیت آن‌ها نیست؛ بلکه در اولویت نبودن سرمایه‌گذاری برای دولت را نشان می‌دهد. توزیع فضایی و پراکنش دهستان‌های محروم و بهره‌مند در استان گویای چند نکته مهم در روند توسعه استان است:



شکل 3 نقشه دهستان‌های محروم و بهره‌مند استان آذربایجان شرقی
(منبع: داده‌های تحقیق در بخش دهستان‌ها)

یافته‌های تحقیق درباره سازمان فضایی پراکنش دهستان‌های محروم درخور توجه است و مقایسه آن با سازمان فضایی پراکندگی مراکز جمعیتی، فعالیت و کشاورزی استان، هماهنگی بسیار نزدیکی را در برخی موارد نشان می‌دهد (شکل 4 و 5). با مقایسه این نقشه می‌توان به رابطه مستقیم بین توزیع شبکه‌های زیربنایی، زمین‌های کشاورزی، مراکز جمعیت و فعالیت با سطوح توسعه پی برد؛ به‌ویژه در مورد دهستان‌ها، زمین‌های کشاورزی با دهستان‌های بهره‌مند انطباق بسیار بالایی دارند.



شکل 4 سازمان فضایی وضع موجود استان آذربایجان شرقی (1385)

(منبع: مطالعات آمایش استان آذربایجان شرقی، 1386)

6- یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطوح مختلف تقسیمات سیاسی استان حاکی است توسعه استان آذربایجان شرقی از الگوی خاصی با ویژگی‌های فضایی مشخص پیروی می‌کند. نخست به‌نظر

می‌رسد بین فاصله از مرکز بخش، شهرستان و استان و سطح بهره‌مندی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. به عبارتی، هرچه فاصله منطقه موردنظر از مراکز سیاسی تقسیمات استان دورتر شود، محرومیت زیادتر است. درباب این فرضیه، در رتبه‌بندی شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های استان هماهنگی کاملی وجود دارد؛ به گونه‌ای که شهرستان‌های محروم دارای بیشترین بخش‌ها و دهستان‌های محروم و به همین ترتیب، بخش‌های محروم دارای بیشترین دهستان‌های محروم هستند؛ این موضوع می‌تواند نقطه قوت تحلیل داده‌ها و صحت آن‌ها باشد. آماره ضریب هم‌بستگی پیرسون بین فاصله از مرکز شهرستان و بخش و میزان محرومیت، معناداری این رابطه مستقیم را با اعتماد بالای 99 درصد تأیید می‌کند. برای اطمینان بیشتر بین این عوامل رگرسیون چندمتغیره خطی نیز برقرار شد که تأیید آن در سطح 99 درصد، باعث اطمینان بیشتر به یافته تحقیق در این زمینه شد.

جدول 3 رابطه بین میزان محرومیت دهستان‌های استان با فاصله از مرکز شهرستان و بخش

	آماره و سطح معناداری	فاصله از مرکز شهرستان	فاصله از مرکز بخش	میزان محرومیت
میزان	Pearson Correlation	.402 ^a	.321 ^a	1
محرومیت	Sig. (2-tailed)	.000	.000	
	N	141	141	141

جدول 4 رگرسیون چندمتغیره خطی بین میزان محرومیت دهستان‌ها با فاصله از مرکز شهرستان و بخش

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. E Estimate	Change Statistics				
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change
1	.426a	.182	.170	.04370	.182	15.307	2	138	.000

a. predictors: (constant), فاصله از مرکز شهرستان, فاصله از مرکز بخش, b. dependent variable: میزان محرومیت

نکته بعدی این است که در مقایسه فضاهای برخوردار و محروم استان با نقشه سازمان فضایی (شکل 4) - که تمام عناصر اجتماعی و اقتصادی فضا در آن درج شده - هماهنگی بسیار نزدیکی با پراکندگی زمین‌های کشاورزی و تمرکز مراکز شهری و روستایی با سطح بهره‌مندی مشاهده می‌شود. دهستان‌های بهره‌مند استان در مناطقی از نقشه قرار گرفته‌اند که اغلب دارای

زمین‌های حاصل‌خیز باغی و کشاورزی مستعد هستند. به‌عبارت دیگر، تمام دهستان‌های واقع در دشت تبریز، دشت سراب، دشت مراغه و دشت شبستر دارای سطح بهره‌مندی خوبی نسبت به سایر دهستان‌های استان هستند.

آخرین یافته این تحقیق، شکل‌گیری فضای توسعه استان مبتنی بر دواير متحدالمرکز است که با تغییر فاصله از مرکز کیفیت بهره‌مندی یا محرومیت دچار تغییر شده است. به‌عبارت دیگر، فاصله از شهر تبریز در میزان بهره‌مندی یا محرومیت دهستان‌ها نقش مهمی داشته است؛ با افزایش فاصله از تبریز، میزان فضاهای محروم استان افزایش یافته و فضاهای بهره‌مند کاهش پیدا کرده است. برای آزمون آماری این فرضیه، دایره‌های متحدالمرکزی به مرکزیت تبریز و با شعاع 10 کیلومتر ترسیم شد و در هر دایره مساحت فضاهای برخوردار، به‌نسبت برخوردار، محروم و خیلی محروم محاسبه شد. جهت حذف تأثیرگذاری کمیت بر رگرسیون و پیرسون، مقادیر کمی مساحت‌ها به درصد از کل تبدیل شد و سپس با استفاده از آماره پیرسون و رگرسیون چندمتغیره، رابطه بین فاصله از مرکز با میزان محرومیت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد بین میزان فاصله از مرکز استان و میزان محرومیت رابطه معنادار در سطح 99 درصد وجود دارد. داده‌های جدول زیر به‌روشنی رابطه معکوس بین میزان فاصله از مرکز استان را با درصد فضاهای برخوردار نشان می‌دهد.

جدول 5 آزمون هم‌بستگی پیرسون بین فاصله از مرکز استان و درصد فضاهای محروم و برخوردار

ضریب هم‌بستگی پیرسون	فاصله از مرکز استان	چهار سطح				دوسطح		
		برخوردار	به‌نسبت برخوردار	محروم	خیلی محروم	برخوردار	محروم	
فاصله از مرکز استان	ضریب هم‌بستگی	1	-.675**	-0.369	0.03	.854**	-.711	.711**
	سطح معناداری	0	0.002	0.12	0.904	0.000	0.001	0.001
	تعداد	19	19	19	19	19	19	19

**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

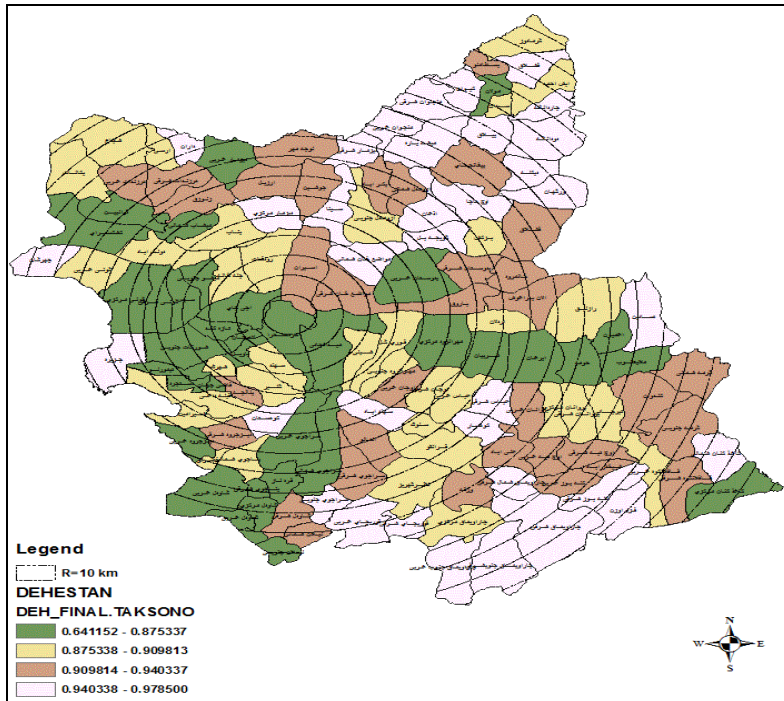
جدول 6 آزمون رگرسیون دومتغیره بین فاصله از مرکز و درصد فضاهای محروم و برخوردار

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics				
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change
1	.785 ^a	.617	.569	36.95135	.617	12.873	2	16	.000

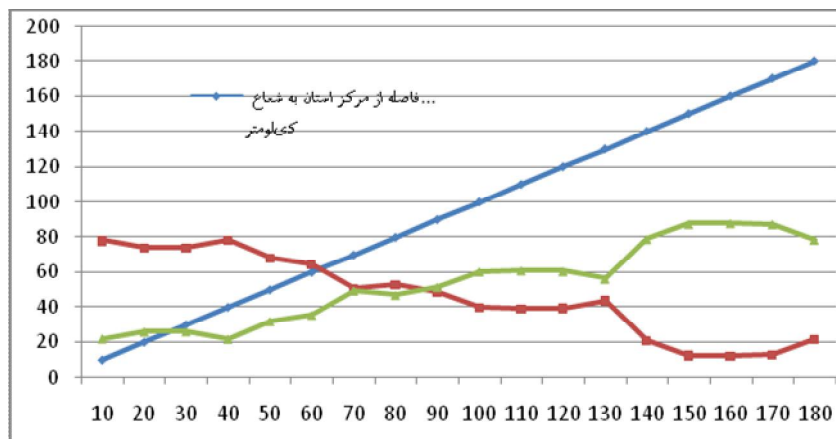
a. Predictors: (Constant), محروم, خیلی محروم, برخوردار b. Dependent Variable: فاصله از مرکز استان

جدول 7 دواير متحدالمركز به شعاع 10 كيلومتر از مركز استان و درصد سطوح برخوردار و محروم

فاصله از مركز استان به شعاع ... (كيلومتر)	طيف چهارگانه سطوح مختلف محروميت و برخورداري					طيف دو گانه سطوح برخورداري و محروميت	
	برخوردار	نسبتاً برخوردار	محروم	خيلي محروم	كل	برخوردار	محروم
10	78.2	0.0	21.8	0.0	100.0	78.2	21.8
20	63.9	10.4	25.7	0.0	100.0	74.3	25.7
30	41.5	32.7	25.8	0.0	100.0	74.2	25.8
40	33.7	44.8	12.1	9.4	100.0	78.5	21.5
50	38.1	30.2	13.9	17.8	100.0	68.3	31.7
60	42.3	22.4	14.7	20.5	100.0	64.7	35.3
70	27.9	22.8	33.6	15.7	100.0	50.7	49.3
80	27.2	25.9	33.3	13.6	100.0	53.1	46.9
90	28.5	20.1	29.5	21.9	100.0	48.6	51.4
100	22.6	17.1	32.2	28.1	100.0	39.7	60.3
110	15.8	23.2	37.8	23.2	100.0	39.0	61.0
120	12.2	27.2	22.1	38.4	100.0	39.4	60.6
130	12.8	31.0	12.6	43.6	100.0	43.8	56.2
140	5.3	15.6	24.3	54.8	100.0	20.9	79.1
150	1.7	10.8	22.1	65.5	100.0	12.4	87.6
160	0.0	12.1	7.3	80.5	100.0	12.1	87.9
170	0.0	12.5	33.6	53.9	100.0	12.5	87.5
180	14.7	6.6	44.4	34.2	100.0	21.3	78.7
190	76.8	0.0	0.9	22.3	100.0	76.8	23.2
200	100.0	0.0	0.0	0.0	100.0	100.0	0.0
210	100.0	0.0	0.0	0.0	100.0	100.0	0.0
كل	24.1	22.5	24.9	28.5	100.0	46.6	53.4



شکل 5 دوائر متحدالمرکز 10 کیلومتری در استان آذربایجان شرقی و سطح محرومیت هر حلقه (منبع: جدول شماره 7)



شکل 6 رابطه بین فاصله از مرکز با میزان محرومیت و برخورداری (منبع: جدول شماره 7)



7- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

تلاش این تحقیق در اثبات این موضوع که بین میزان فاصله از مرکز استان و توسعه رابطه معکوس وجود دارد، با موفقیت همراه بوده است. همچنین می‌توان مدل دایره‌های متحدالمرکز برگس را- که برای شهرها و توزیع طبقات مختلف اجتماعی ارائه شده بود- در مقیاس منطقه‌ای و برای ارزیابی میزان توسعه و بهره‌مندی با روش این مقاله به کار برد.

برای رفع محرومیت و متعادل‌سازی فضایی، اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای بهره‌مندی همه گروه‌های اجتماعی از مواهب توسعه در تمام سطوح جغرافیایی ضروری است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری و توزیع اعتبارات عمرانی تدوین شده، در یک بازه زمانی مشخص در سطح استان اجرا شود. این برنامه‌ها می‌تواند با شناخت دقیق ضعف‌ها و قوت‌های هر دهستان یا بخش بر اساس شاخص‌های بهره‌مندی باشد. به نظر می‌رسد این عوامل و راهبردها در مدیریت توسعه متعادل فضایی سودمند باشد؛ کاربست سیاست‌هایی نظیر تدوین برنامه میان‌مدت محرومیت‌زدایی در سلسله‌مراتب تقسیمات سیاسی از سطح شهرستان تا نقطه سکونتگاهی روستا، تهیه شاخص‌های استاندارد برخورداری در سطوح مختلف متناسب با موقعیت و حوزه نفوذ، تهیه ضرایب اهمیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک هریک از سطوح تقسیمات سیاسی برای اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری، فرهنگ‌سازی در دستگاه‌های اجرایی برای تبعیت از برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت، فعال کردن اقتصاد روستایی در دهستان‌های محروم با توسعه کارگاه‌های صنعتی، صنایع دستی و ارتقای کیفی کشاورزی و تعیین ضریب افزایشی تخصیص اعتبارات عمرانی به بخش‌ها و دهستان‌ها متناسب با دوری از مرکز.

8- منابع

- احمدی پور، زهرا و همکاران، «بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی اداری کشور»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س 3، ش 1، صص 22-49، 1386.
- استانداری آذربایجان شرقی، آمارنامه استان آذربایجان شرقی 1388.
- بهشتی، محمدباقر، مطالعه و تدوین استراتژی توسعه صنعتی استان آذربایجان شرقی، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی، 1387.

- بیات، مقصود، «سنجش توسعه‌یافتگی روستاهای بخش کوار شهرستان شیراز با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، س 20، ش 1 (پیاپی 33)، صص 113-131، 1388.
- پردازی مقدم، سعیده، روش‌های تحلیل چندمتغیره و کاربرد آن در سطح‌بندی استان‌های کشور، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1386.
- پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی، «نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، س 15، ش 32، صص 29-64، 1389.
- زالی، نادر، سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای (استان آذربایجان شرقی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری، 1379.
- صرافی، مظفر، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، 1377.
- کلانتری، خلیل، «شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 48، صص 120-131، 1377.
- گل محمدزاده، حبیب و نادر زالی، بررسی روند تحولات شاخص‌های توسعه انسانی استان‌های کشور، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی، 1384.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران، تهران: شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران، 1387.
- مسعود، محمد، امیرمحمد معززی مهرطهران و سیدنیما شبیری، «تعیین درجه توسعه‌نیافتگی شهرستان‌های استان اصفهان با تکنیک تاکسونومی عددی»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، س 2، ش 8، صص 39-54، 1390.
- میرمحمدی، سیدمحمد، آمایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، 1386.
- هاروی، دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، تهران: پردازش، 1376.
- یاسوری، مجید، «بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش 12 (بهار و تابستان)، صص 201-223، 1388.
- Noorbakhs, F., *Human development and regional disparities in Iran, A policy model*, university of Glasgow, Department of economics, 2000.

- Sharbatoghlie, A., *Urbanization and regional disparities in post-revolutionary Iran*, west view press, 1991.
- Mozaffar, F., Y. Aghaei, M. Taghvaei & R. Shaykh Baygloo, "Analysis of Intraregional Disparities of Development in Mazandaran Ostan", *Geography and Environmental Planning*, 21th Year, Vol. 40, No.4, Pp. 13-28, Winter 2011.
- Godet, M., *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*, France: Economica publish, 2006.
- Godet, M., *From anticipation to action*, Paris: UNESCO publishing, 1991.
- Foren, *A Practical Guide to Regional Foresight*, Foren network, STRATA program, 2001.
- E. R. A., *The Potential of Regional Foresight*, Final Report of the STRATA-ETAN Expert Group, 2002.